

# از حقوق بشر تا تکالیف بشر

نیلوافر سعیدی<sup>۱</sup> - سید قاسم زمانی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷)

## چکیده

در تمامی ادیان و فرهنگ‌ها بر تکالیف بشر تأکید شده است. تاریخ نشان می‌دهد که نخستین توجه حقوق بین‌الملل به افراد از منظر وضع تکلیف برای آنها و نه شناسایی حقوق آنان بود. در نیمه دوم قرن بیستم و با آغاز دوران طلایی حقوق بشر، موضوع تکالیف بشر به حاشیه رانده شده و اسناد فراوانی در تدوین حقوق بشر تهیه گردید. تهیه‌کنندگان این اسناد البته به این امر واقف بودند که حقوق هر فرد با تکلیف دیگران به رعایت آن حقوق متناظر است. بنابراین در این اسناد، مختصراً به تکالیف افراد نیز اشاره گردید. در دهه نود میلادی مسئله تکالیف بشر مجدداً مورد توجه قرار گرفت. برخی حقوق‌دانان راه برون‌رفت از بسیاری از بحران‌های بین‌المللی را تهیه اعلامیه جهانی تکالیف بشری می‌دانستند که از یک‌سو بشر را از خودمحوری و فردگرایی دور نموده و میان حقوق و تکالیف وی تعادل برقرار سازد و از سوی دیگر اخلاق‌مداری را که به نظر می‌رسد فراموش شده، احیاء کند. تلاش برای تهیه چنین اعلامیه‌ای در سازمان ملل پیگیری شد اما مورد اقبال جامعه جهانی قرار نگرفت با این استدلال که انواع مختلف تکالیف بشری پیشتر در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی درج شده و هرگونه اعلامیه تکالیف بشری جز تضعیف حقوق بشر دستاورد دیگری نخواهد داشت. بنابراین، لازم است ضمن بررسی کفایت یا عدم کفایت تکالیف بشر در اسناد حقوق بشری موجود، به این پرسش پرداخت که تهیه اعلامیه جهانی تکالیف بشر چه مزایا یا معایبی خواهد داشت؟

**واژگان کلیدی:** تکالیف فردی و جمعی بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه جهانی تکالیف بشر.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول،

Email: niloofar.saeedi1991@gmail.com

۲. استاد تمام، گروه حقوق عمومی بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

در نظام حقوق بین‌الملل عام توجه به تعهد، تکلیف یا الزام افراد ریشه دیرینه دارد. از قرن‌ها پیش در حوزه مبارزه با دزدی دریایی این وفاق عام وجود داشت که مرتکبین آن نظم جامعه بین‌المللی را به خطر انداخته‌اند، لذا هر دولتی می‌تواند آنها را تحت تعقیب قرار دهد. در مقابل بر مصونیت دولت‌ها از صلاحیت محاکم ملّی تأکید می‌شد درحالی که افراد بنابر اصل صلاحیت جهانی قابل تعقیب بودند. دولت فاقد مسئولیت کیفی بوده و افراد به حجابی برای ممانعت از تعقیب دولت بدل شدند. حتی پس از طرح امکان حمایت از افراد در قالب حمایت دیپلماتیک یکی از شرایط برخورداری از چنین حمایتی پاک‌دستی مدعی بود که به نوعی از تکلیف افراد حکایت دارد.

شناسایی حقوق بشر اما تلاشی برای رهایی از مطلق‌گرایی دولت‌ها بود. حقوق بشر در ابتدا به هدف تضمین حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد در مقابل دولت ایجاد شد و مسئله تکلیف به تعهد دولت به احترام، حمایت، اجرا و تضمین اجرای این حقوق می‌پرداخت. با این وجود در سال‌های اخیر گرایش فزاینده‌ای به درج تکالیف حقوق بشری بر بازیگران غیردولتی نظیر شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های تروریستی و جامعه بین‌المللی به وجود آمده است. نگرش سنتی که معتقد بود تنها دولت تکالیف حقوق بشری برعهده دارد اکنون با یک نگرش چندبعدی<sup>۱</sup> جایگزین می‌شود زیرا اگرچه هنوز دولت‌ها مسئول بخش عمده نقض‌های حقوق بشری هستند اما بازیگران غیردولتی امروزه خطری به همان اندازه یا بیشتر برای نظم عمومی بین‌المللی هستند. همین امر سبب گردید برخی حقوق‌دانان بر این باور باشند که ما نیازمند اعلامیه‌ای تحت عنوان اعلامیه جهانی تکالیف بشر هستیم که همسنگ و هم‌تراز با اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده و از این طریق میان حقوق و تکالیف بشر تعادل برقرار نماییم. چنین ادعایی هرچند با انتقاداتی مواجه شده است. فعالان حقوق بشر بر این عقیده‌اند که در سطح ملّی و بین‌المللی تکالیف بسیاری در قوانین و اسناد برای افراد تعریف شده است. برخلاف اسناد حقوق بشری که ثمره قرن‌ها نقض حقوق افراد و یک ماحصل تاریخی هستند، چنین نیازی برای تهیه اعلامیه تکالیف بشر وجود ندارد. نگارندگان اسناد حقوق بشری نسبت به تکالیف بشر غافل نبوده و بررسی دقیق سیاق و مواد این اسناد حاکی از وجود تکالیف متعددی برای افراد است. از این‌رو تهیه هرگونه سند مستقل برای درج تکالیف افراد امری زائد بوده که اسناد حقوق بشری را لوٹ و حمایت‌های مندرج در آنها را تضعیف می‌نماید. به واقع، ابعاد مختلف تکالیف بشری پیشتر در قوانین ملّی و بین‌المللی تنظیم شده‌اند و یک اعلامیه تکالیف چیزی بیش از آنچه از قبل وجود دارد، به دست نخواهد داد. در نهایت، در شرایطی که هنوز با نقض حقوق بشر خصوصاً از سوی حاکمیت‌ها مواجهیم، تهیه یک اعلامیه جهانی تکالیف زمینه را برای سوءاستفاده فراهم می‌آورد.

در این مقاله ابعاد مختلف این نظرات بررسی خواهد شد تا ضمن شناخت انواع تکالیف بشر موجود در اسناد بین‌المللی، فواید یا مضرات احتمالی تهیه اعلامیه جهانی تکالیف بشر ارزیابی شود.

## ۱- انواع تکالیف بشر مندرج در اسناد حقوق بشری

در اسناد حقوق بشری اعم از بین‌المللی و منطقه‌ای مجموعه‌ای از تکالیف برای افراد مقرر شده است. در ادامه این تکالیف بررسی خواهند شد.

## ۱-۱- تکلیف به رعایت حقوق سایر هم‌نوعان خود

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و به ویژه میثاق حقوق مدنی و سیاسی، می‌توان تعهدات سلبی متعددی را یافت که نسبت به افراد نیز قابل استناد هستند. این مسئله ابتدائاً به نحوه نگارش این مواد بازمی‌گردد که حقوق بشری را به اعتبار ذی‌نفع حق و نه مکلف به آن نگاشته‌اند. برای نمونه ماده ۷ میثاق مدنی و سیاسی در بیان ممنوعیت شکنجه و ماده ۸ این میثاق درباره ممنوعیت به بردگی گرفتن بدون اشاره به مکلف به این عبارات نگارش یافته است: «هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه قرار داد.» (ICCPR, 1966, p. 7) یا «هیچ‌کس را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت.» (ICCPR, 1966, p. 8) این نحوه نگارش حاکی از آن است که این حق‌ها قابلیت اعمال بر ثالث (غیر از دولت) را دارند و تفاوتی ندارد که به وسیله چه کسی یا نهادی نقض شوند. بنابراین نه تنها روابط عمودی و سلسله‌مراتبی میان دولت و شهروندان بلکه روابط افقی و هم‌سطح میان خود شهروندان نیز با قواعد حقوق بشری تنظیم می‌گردد. حقوق بین‌الملل کیفری نیز مثال‌های دیگری از تکلیف سلبی فرد یعنی تعهد به خودداری از انجام جرایم بین‌المللی را دربردارد. برای نمونه منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی در ماده ۴ مقرر می‌دارد که افراد مرتکب نسل‌زدایی خواه مقامات رسمی باشند یا افراد خصوصی، مجازات می‌شوند (CPPCG, 1948, p. 4).

به علاوه، اولین توجه به افراد در حقوق بین‌الملل از منظر طرح مسئولیت برای آنان و نه شناسایی حقوق آنها بود. امروزه اما در کنار انبوه اسناد حقوق بشری در بسیاری از اسنادی که به جرم‌انگاری و مجازات جنایات علیه بشریت، نسل‌زدایی یا جنایات جنگی می‌پردازند، کماکان افراد خصوصی نیز در کنار مقامات رسمی و دولت در صورت ارتکاب این جنایات مسئول شناخته شده و مجازات می‌شوند. برای نمونه کنوانسیون منع و مجازات جنایت آپارتاید مقرر می‌دارد که آپارتاید و خط‌مشی‌های مشابه و جداسازی یا تبعیض نژادی، جنایاتی ناقض حقوق بین‌الملل هستند و مسئولیت کیفری ناشی از آن نه صرفاً بر مقامات دولتی بلکه بر افراد هم بار می‌شود (ICSPCA, 1973, p. 3).

## ۱-۲- تکلیف به اعمال مسئولانه حقوق خود

این تکلیف افراد را مکلف می‌سازد تا با توجه به اینکه آزادی‌های فردی آنان تماماً مطلق نیست، حقوق خود را به نحوی مسئولانه اعمال نماید. این تکلیف در واقع یک تکلیف قانونی است که مبنای آن را می‌توان در عبارات محدودکننده منضم به مواد مختلف اسناد حقوق بشری یافت که به دولت‌ها اجازه می‌دهد یک حق بشری را تحت شرایطی محدود یا مقید نماید. البته این تکلیف دارای پیچیدگی‌هایی است زیرا به اعمال محدودیت بر برخی حقوق مرتبط بوده و این سؤال مطرح می‌شود که چه زمانی چنین محدودیتی مجاز است؟ حق آزادی بیان یک مثال رایج از حقی است که می‌تواند موضوع محدودیت‌های خاص قرار گیرد. ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی برای نمونه مقرر نموده که هرگونه تبلیغ برای جنگ باید به موجب قانون ممنوع گردد. همچنین هرگونه ترغیب به تفرقه‌مندی، نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض و خصومت یا اعمال خشونت گردد، ممنوع است (ICCPR, 1966, p. 20). بند ۳ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز صراحتاً می‌گوید آزادی حق بیان حقوق و مسئولیت‌های خاصی به همراه دارد و بنابراین ممکن است برای احترام به حقوق و اعتبار و حیثیت سایرین و سلامت و اخلاق عمومی موضوع محدودیت‌های خاصی قرار گیرد (ICCPR, 1966, p. 19(3)). البته باید توجه نمود که هرگونه محدودیتی در این حقوق باید طبق قانون باشد، یک هدف مشروع داشته باشد و ضرر ناشی از اعمال آن نباید از منافع حاصل از حفظ منافع اساسی بیشتر شود. به علاوه، هر نوع محدودیت باید مضیق تفسیر شده و

در هر مورد ضرورت ایجاد محدودیت جداگانه بررسی و احراز شود (International Council on Human Rights Policy, 1999, pp. 39-41).

### ۱-۳- تکلیف به عدم سوءاستفاده از حقوق خود

«قید ممنوعیت سوءاستفاده»<sup>۱</sup> برای نخستین بار در ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر درج گردید که مقرر می‌دارد هیچ‌یک از مواد اعلامیه نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به دولت، گروه یا فردی اجازه دهد حقوق و آزادی‌های بشر را از بین برده یا آن را محدود نمایند (UDHR, 1948, p. 30). مشابه این ماده در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشری دیگر درج گردید.<sup>۲</sup> البته باید توجه نمود که حق‌هایی که مطلق هستند مانند حق حیات اصولاً توسط صاحب حق قابل سوءاستفاده نیستند، اما در مورد حق‌های دسته دوم از جمله آزادی بیان، سوءاستفاده از حق امکان‌پذیر است. برای نمونه حق رهایی از شکنجه توسط فرد دارای حق، قابل سوءاستفاده نیست، اما در حق تشکیل اتحادیه و سندیکا، آزادی جمع‌ها و آزادی بیان امکان سوءاستفاده وجود دارد. به عنوان مثال تحت لوای آزادی بیان، ممکن است اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را افشاء نمود یا دیگری را مورد تهمت و افترا قرار داد، به اشاعه اکاذیب یا تشویش افکار عمومی مبادرت ورزید، یا تصاویری را پخش کرد که سلامت اخلاقی جامعه را در معرض خطر قرار دهد. این اقدامات سوءاستفاده از آزادی بیان خواهند بود. به علاوه باید توجه نمود که نمی‌توان به این قید مستقلاً استناد نمود یعنی اعمال این قید همیشه با یک کنوانسیون که از حقوق مندرج در آن سوءاستفاده شده است، پیوند دارد.

نمونه‌های عملی استفاده از این قید را می‌توان در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر یافت که به ویژه از ماده ۱۷ کنوانسیون برای سنجش اظهارنظرهایی که ارزش‌های اساسی کنوانسیون را زیر سؤال می‌برد مانند ابراز نظرات نژادپرستانه و تبعیض‌آمیز<sup>۳</sup> علیه اقلیت‌ها یا مهاجران استفاده کرده است. برای نمونه در قضیه Pavel Ivanov علیه روسیه مقرر نمود که اظهارات نژادپرستانه علیه این فرد مورد حمایت ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی نبوده و چنین حملات تند و کَلّی به گروه‌های قومی با ارزش‌های بنیادین کنوانسیون مانند بردباری و تحمل، صلح اجتماعی و ممنوعیت تبعیض مغایر است. همچنین در قضیه Norwood علیه انگلستان که یکی از اعضای حزب ملی بریتانیا با نصب پوستری به پنجره مسلمانان را تروریست دانسته بود، دیوان بیان داشت که چنین حملات کَلّی و تندی به یک گروه مذهبی خلاف ارزش‌های کنوانسیون است (Boot, 2017, pp. 24-25).

### ۱-۴- تکالیف فرد نسبت به اجتماع

موارد فوق شامل تکالیف قانونی افراد با ماهیت سلبی هستند. این تکالیف تضمین می‌نمایند که افراد مستقیماً حقوق دیگران را نقض نمایند، همچنین از محدوده مجاز و مشروع اعمال حقوق خود فراتر نروند و از حقوق خود سوءاستفاده نکنند. اما در اسناد حقوق بشری می‌توان تکالیف ایجابی را خطاب به افراد یافت. بارزترین مثال آن را می‌توان در بند ۱ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر با این مضمون یافت: «هرکس نسبت به اجتماعی که فقط در آن اجتماع رشد آزاد و کامل شخصیت او امکان‌پذیر است، تکالیفی برعهده دارد.» (UDHR, 1948, 29(1)) درج این ماده

1. Abuse Clause

۲. از جمله ماده ۱۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۵ میثاقین و ماده ۲۹ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر.

3. Hate Speech

در انتهای اعلامیه به هیچ عنوان به معنای اهمیت کمتر آن یا اضافه شدن آن در لحظه آخر نیست بالعکس هدف این بود که این ماده به عنوان یک راهنمای مهم نسبت به کل اعلامیه در نظر گرفته شود. تهیه‌کنندگان اعلامیه قصد داشتند، اطمینان حاصل نمایند که آزادی تنها هدف اعلامیه نبوده بلکه آزادی تنها از طریق هماهنگی کامل میان فرد و اجتماع محقق می‌گردد. بنابراین همه افراد به عنوان موجوداتی اجتماعی تکالیفی نسبت به جامعه خود دارند. این ماده تأیید می‌کند که افراد علاوه بر تکالیف خاصی که ممکن است هنگام اعمال برخی حقوق ایجاد گردد، تکالیف عمومی<sup>۱</sup> نیز برعهده دارند. ماده ۲۹ به این امر اشاره دارد که نمی‌توان از حقوق افراد بدون توجه به محیط اجتماعی که این حقوق در آن اعمال می‌شوند، صحبت کرد زیرا افراد حقوق خود را در جامعه اعمال می‌کنند، پس لازم است که به تکالیف آنها در این خصوص نیز اشاره نمود. البته این ماده صراحتاً نمی‌گوید که چه تکالیفی به اجتماع مدنظر است. زمان تهیه اعلامیه بحث‌های زیادی صورت گرفت و تکالیف مختلفی از جمله وفاداری به کشور و سازمان ملل، تبعیت از قانون، احترام به حقوق سایرین و ... پیشنهاد گردید. تکالیفی که برخی جنبه قانونی و برخی جنبه اخلاقی داشتند. در نهایت، توافق بر آن شد که این تکالیف متوجه اجتماع و نه دولت باشد و ماده به صورت عمومی نگارش یابد (International Council on Human Rights Policy, 1999, pp. 24-26).

به علاوه، پاراگراف پنجم مقدمه میثاقین نیز اشاره می‌نماید که هر فرد نسبت به افراد دیگر و نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد، وظایفی برعهده دارد و مکلف است که در ارتقاء و رعایت حقوق شناخته شده در این میثاق اهتمام ورزد. میثاقین حتی از ماده ۲۹ اعلامیه نیز فراتر رفته و تکلیف را نه فقط نسبت به اجتماع بلکه نسبت به افراد نیز مقرر می‌دارد. البته باید توجه داشت که این عبارات در مقدمه ذکر شده که فاقد الزام حقوقی است. از این رو استدلال شده که این امر دال بر قصد تهیه‌کنندگان این اسناد بر این است که مسئله تکالیف بشر صرفاً جنبه اخلاقی و نه حقوقی داشته باشد.

اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز به تکالیف فرد نسبت به اجتماع توجه نموده‌اند. برای نمونه اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر در فصل دوم خود تحت عنوان تکالیف بشر مجموعه‌ای از تکالیف را احصاء نموده است (The American Declaration of the Rights and Duties of Man, 1948, pp. 29-38). برخی از این تکالیف مانند احترام به والدین عمدتاً جنبه اخلاقی دارند و برخی دیگر مانند رأی دادن، پیروی از قانون، پرداخت مالیات و کار کردن از جنبه قانونی برخوردارند. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز در فصل پنجم خود تحت عنوان تکالیف بشر در ماده ۳۲ فرد را نسبت به خانواده، اجتماع و نوع بشر مکلف دانسته است (American Convention on Human Rights, 1969, p. 32). البته برخلاف اعلامیه مذکور این کنوانسیون به بیان تکلیف به صورت کلی بسنده نموده در حالی که اعلامیه محتوای تکالیف را به روشنی بیان کرده تا بتوان تشخیص داد که چه زمان یک فرد به تکلیف خود عمل نموده و چه زمان از انجام آن کوتاهی کرده است.

منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها نیز علاوه بر اشاره به تکالیف افراد در مقدمه، سه ماده را به تکالیف افراد اختصاص داده است. مصادیق تکالیف در این سند متنوع‌تر است. علاوه بر تکلیف نسبت به خانواده، اجتماع، دیگر جوامع به رسمیت شناخته شده و جامعه بین‌المللی از یک سو و تکلیف به پرداخت مالیات، کار کردن در حد توانایی و مشارکت در سلامت جامعه از سوی دیگر، در این منشور به تکالیف افراد در مقابل دولت نیز اشاره شده است از جمله حفاظت از تمامیت ارضی، دفاع از دولت در موارد نیاز، عدم به خطر انداختن امنیت کشور، حفظ استقلال کشور و تقویت وحدت ملی (African Charter on Human and People's Rights, 1981, pp. 27-29). مشخص است که

منشور آفریقایی از این فرض که تکالیف باید با حقوق متناظر باشند، فاصله می‌گیرد زیرا دربردارنده تکالیفی است که نسبت به دولت یا دیگر افراد بوده بدون اینکه متناظر با حق خاصی باشند. این امر مورد انتقاد قرار گرفته است زیرا درج تکالیف عمودی و سلسله‌مراتبی می‌تواند مورد سوءاستفاده مقامات قرار گیرد و حقوق افراد را در جایی که با تکالیف آنان نسبت به جامعه یا کشور مغایر است، محدود کند. کمیسیون آفریقایی اگرچه تلاشی برای تبیین محتوای این مواد ننموده اما اعلام کرد که برقراری هر محدودیتی در حقوق مندرج در این منشور تنها در چهارچوب استانداردهای حقوق بین‌الملل بشر خواهد بود (Boot, 2017, p. 29).

علاوه بر موارد فوق‌الذکر در اعلامیه‌های صادره توسط مجمع عمومی سازمان ملل نیز مجدداً بر تکالیف افراد تأکید شده است. برای نمونه اعلامیه حق بر توسعه که در سال ۱۹۸۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب گردید، در ماده ۲ خود مقرر می‌دارد که تمامی افراد نسبت به توسعه فردی و جمعی مسئولند و با در نظر گرفتن ضرورت احترام کامل به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و تکالیف آنها نسبت به جامعه، نظم مناسب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به هدف توسعه ارتقاء داده و از آن حمایت می‌نمایند (UN Declaration on the Right to Development, 1986, p. 2).

همچنین، اعلامیه مدافعان حقوق بشر ۱۹۸۸ مجمع عمومی نیز اگرچه عمدتاً حاوی تعهداتی برای دولت‌هاست اما در ماده ۱۸ خود خطاب به افراد ضمن تکرار مقرر موجود در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اشاره می‌کند که افراد مکلف هستند در ارتقای حقوق و آزادی‌های همگان مشارکت نمایند (UN Declaration on Human Rights Defenders, 1988, p. 18).

## ۱-۵- تکالیف گروه‌های خاصی از افراد

در کنار تکالیف موجود در اسناد جهانی و منطقه‌ای که خطاب به تمامی افراد مطرح شده‌اند، در اسنادی که به حقوق افراد آسیب‌پذیر مانند کودکان می‌پردازند شاهد درج تکالیفی خطاب به افرادی هستیم که مستقیماً با این اشخاص در ارتباط هستند. برای نمونه بند نخست ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک به تکلیف والدین و سرپرستان قانونی نسبت به رشد و تربیت کودک، ماده ۲۷ این کنوانسیون به تکلیف والدین در تهیه امکانات مادی لازم برای زندگی کودک و ماده ۵ به تکلیف والدین در کمک به کودک برای اعمال حقوق خود، اشاره می‌کند (CRC, 1989, pp. 5, 18 & 27).

سازمان ملل متحد نیز اصول راهنما و دستورالعمل‌هایی را تهیه نموده است که حاوی تکالیفی برای افراد در برخی مشاغل مهم است. برای نمونه در «اصول اخلاق پزشکی برای خدمه بهداشت به منظور حفاظت از زندانیان و بازداشت‌شدگان در مقابل شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های خشونت‌بار، غیرانسانی و توهین‌آمیز» تکالیف متعددی از جمله ارائه خدمات درمانی برابر با افراد عادی، حفظ سلامت جسمی و روانی و عدم مشارکت در شکنجه یا مجازات غیرانسانی نسبت به زندانیان و بازداشت‌شدگان را برای خدمه بهداشتی مقرر می‌کند (UN Principles of Medical Ethics, 1982, pp. 1&2). همچنین، «اصول اولیه نقش وکلا» در سال ۱۹۹۰ در سازمان ملل تهیه شد که شامل بخشی تحت عنوان تکالیف و مسئولیت‌هاست و وکلا را ملزم به حفظ حقوق موکلین خود، رعایت حقوق بشر و اصول اخلاقی حرفه‌شان می‌نماید (UN Basic Principles on the Role of Lawyers, 1990, pp. 12-22). در نهایت می‌توان به «دستورالعمل ۱۹۹۰ سازمان ملل درباره مقام تعقیب» اشاره نمود که مقام قضایی را مکلف می‌کند ضمن رعایت حقوق متهمین و مجرمین، از تبعیض خودداری نموده و با بی‌طرفی و رعایت محرمانه

بودن اطلاعات پرونده قضایی عمل کرده و از منافع عمومی حفاظت نماید ( UN Guidelines on the Role of Prosecutors, 1990, pp. 12-13).

## ۱-۶- تکالیف جمعی نسبت به حقوق آیندگان

امروزه در حوزه حقوق بین الملل محیط‌زیست اصول و قواعد متعددی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. از یک سو حق بر محیط‌زیست سالم به‌عنوان یکی از حقوق بشر نسل سوم در اسناد گوناگونی مطرح می‌شود و از سویی دیگر اصولی مانند توسعه پایدار بر توسعه‌ای دلالت دارد که نیازهای مربوط به توسعه و محیط‌زیست نسل‌های حاضر و آینده را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآورده کردن نیازهایشان تأمین کند. حال آیا امکان هم‌نشینی میان توسعه پایدار و حق بر محیط‌زیست سالم وجود دارد؟ «حقوق بین‌الملل به‌عنوان کلیدی تعادل‌ساز می‌بایست بین عناصر و مفاهیم خود ارتباط منطقی برقرار نماید و سبب ارتقای آنها گردد نه اینکه منعکس‌کننده تعارضات آنها باشد، پیوند بین مفاهیم حقوق بین‌الملل از طریق تفسیر متقارن امکان‌پذیر است لذا توسعه و تحولات باید به صورت برابر حرکت کنند.» (رضانی قوام‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۵۸).

انصاف بین نسلی مفهومی است که برای آشتی میان حق بر توسعه نسل حاضر و حق بر محیط‌زیست سالم نسل آینده مطرح گردیده است. به عقیده کارشناسان کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد، انصاف بین‌نسلی را به‌عنوان یک «اصل» معرفی می‌کنند که با اصل انصاف مرتبط است و بدین معناست که اعضای نسل حاضر زمین را به‌عنوان یک امانت برای نسل‌های آینده نگاه می‌دارند و هم‌زمان به‌عنوان منتفعان حق دارند از آن به نفع خویش استفاده نمایند (ویس، ۱۳۸۰، ص ۸۶۲). مفاهیمی همچون انصاف میان‌نسلی و توسعه پایدار زمینه‌ساز طرح مسئله حقوق نسل‌های آینده شد. با توجه به ارتباط متناظر حقوق و تکالیف، استقرار چنین حقی برای نسل‌های آینده به معنای تکلیف نسل حاضر به رعایت این حقوق است.

برخی معاهدات بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده اشاره نموده‌اند از جمله ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۷۲ حفاظت میراث فرهنگی و طبیعی جهان به تعهد دولت‌ها به تضمین شناسایی، حمایت، حفاظت، معرفی و انتقال میراث فرهنگی و طبیعی موجود در قلمرو خود به نسل‌های بعد اشاره دارد (Convention concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 1972, p. 4). همچنین مقدمه اغلب کنوانسیون‌های زیست‌محیطی از جمله کنوانسیون بین‌المللی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی ۱۹۷۳، کنوانسیون ۱۹۷۹ حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی، کنوانسیون ۱۹۹۲ تغییرات آب و هوایی و کنوانسیون تنوع زیستی ریو ۱۹۹۲ همگی به حقوق نسل‌های آینده اشاره داشته‌اند.

این مفهوم در رویه قضایی ملی و بین‌المللی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. قضیه Oposa یکی از مشهورترین آرای قضایی مرتبط با برابری نسل‌ها و حقوق نسل‌های آینده نسبت به محیط‌زیست است که راجع به شکایت گروهی از کودکان فیلیپینی همراه با یک مؤسسه غیرانتفاعی به نام «شبکه اکولوژی فیلیپین» در سال ۱۹۹۳ علیه سازمان محیط‌زیست و منابع طبیعی آن کشور است. در رأی دیوان آمده است: «هر نسلی برای حفظ توازن و هماهنگی لازم به منظور استفاده کامل از اکولوژی سالم و متعادل مسئول است.» در واقع در این دعوی دیوان، مفهوم مسئولیت‌پذیری نسل حاضر را بررسی کرد. اگرچه به چنین حکمی در زمره احکام صادره در حقوق داخلی کشورها نگریسته می‌شود، ولی باید به منزله محرک و مشوقی در مورد رواج این مفهوم لحاظ نماییم (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۷۰).

با بررسی این پیشینه باید اذعان نمود که مفهوم «حق نسل‌های آینده» عمدتاً در اسناد غیرالزام‌آور که در بردارنده حقوق نرم هستند، قویاً مورد توجه قرار گرفته است. اسناد الزام‌آور در حوزه محیط‌زیست نیز عموماً در مقدمه خود به این مفهوم اشاره کرده‌اند. مقدمه‌ای که اگرچه فاقد الزام حقوقی است اما ارزش تفسیری دارد که بر اجرای تمامی تعهدات مندرج در معاهده مربوطه سایه می‌گسترده. حقوق نسل آینده رویه قضایی بین‌المللی نیز به ویژه آرای منفرد قضاات مورد توجه قرار گرفته است. همان‌طور که قاضی ویرامانتری<sup>۱</sup> در قضیه گابچیکوو - ناگیماروس بیان نمود اگرچه چنین مفاهیمی جنبه عرفی نیافته‌اند اما به طور قطع مورد شناسایی بین‌المللی قرار گرفته‌اند (ICJ Case concerning Gabčíkovo and Nagymaros Project, 1997, p. 95). بنابراین تا زمانی که چنین حقی صراحتاً در عرصه بین‌المللی تثبیت نشده و همچنان در زمره حقوق نرم قرار دارد، هرگونه تأکید بر تکالیف نسل حاضر و جامعه بین‌المللی به احترام و تضمین این حق نمادین به نظر می‌رسد. البته چنانچه تعهدی مبنی بر حفظ حقوق نسل‌های آینده برای دولت‌ها در قبال عرف یا معاهده تثبیت گردد، می‌توان پذیرفت که وقتی دولت‌ها علاوه بر رعایت حقوق بشر باید همچنین رعایت آن از جانب سایرین را تضمین نمایند، این امر زمینه را برای مکلف دانستن افراد به رعایت این حق که دولت در قالب پیشگیری یا مجازات ضامن رعایت آن است، فراهم می‌آورد.

البته قوانین ملی به‌ویژه قوانین اساسی برخی از کشورها به حق نسل‌های آینده اشاره نموده‌اند، مانند اصل ۵۰ قانون اساسی ایران<sup>۲</sup> و طبیعی است که قوانین ملی بسیاری از کشورها شهروندان را مکلف نموده‌اند تا از آسیب به محیط‌زیست خودداری نمایند و مشخصاً چنین رفتاری را جرم‌انگاری نموده‌اند. دلیل این امر علی‌الاصول این است که بهره‌برداری از منابع طبیعی باید به گونه‌ای باشد که محیط‌زیست را نیز پایدار نگه دارد. پس پایداری می‌تواند صفت مشترک توسعه و حق بر محیط‌زیست سالم باشد که ضمناً موجب حفظ حقوق نسل‌های آینده نیز می‌گردد.

## ۲- تهیه اعلامیه جهانی تکالیف بشر

حامیان ایده تهیه اعلامیه جهانی تکالیف بشر، در اثبات نیاز به چنین اعلامیه‌ای ابتدا این‌گونه استدلال می‌کنند که عمده تکالیف مندرج در اسناد حقوق بشری تکالیفی با ماهیت اخلاقی و نه حقوقی هستند. به علاوه، محتوای این تکالیف اجتماعی به خوبی تبیین نشده است. برای نمونه مقصود از عبارت «ما همه در مقابل جامعه تکالیفی برعهده داریم»، مندرج در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر چیست؟ تعداد قابل توجهی از تکالیف در این اسناد وجود دارند که ماهیت (اخلاقی یا حقوقی)، محتوا و حوزه آنها به خوبی روشن نشده است. مسئله به ویژه در جایی که با تعهدات ایجابی مانند کمک کردن به همنوع مواجهیم، مشکل‌آفرین می‌شود. برای نمونه ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۳</sup> از حق دسترسی به استاندارد کافی زندگی صحبت می‌کند اما این سند در هیچ موردی به نقش

### 1. Judge Weeramantry

۲. در اصل ۵۰ قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

۳. طبق بند ۱ ماده ۲۵ این اعلامیه: «هرکس حق دارد سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری تأمین کند و همچنین حق دارد در مواقع بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد، از شرایط آب‌وهوایی زندگی برخوردار شود.»



افراد در مورد این حق نمی‌پردازد. حتی در نظریه‌های عمومی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به ندرت می‌توان اشاراتی به تکالیف بشر در زمینه حقوق مندرج در این کنوانسیون که حاوی تعهدات اجباری است، یافت. برای مثال در نظریه عمومی شماره ۱۲ این کمیته اشاره شده است که تمامی اعضای جامعه از جمله افراد مکلف هستند در تحقق حق به غذای کافی مشارکت کنند (CESCR General Comment 12, 1999, art.11). اینکه این تکالیف کدامند و چگونه از تعهدات دولت متمایز می‌شوند، مشخص نیست (Boot, 2017, pp. 30-31).

اگرچه این گروه معتقدند توجه به تکالیف بشر در اسنادی که تحت عنوان حقوق بشر نگارش یافته‌اند از حد انتظار فراتر بوده است اما آن را کافی نمی‌دانند. از این رو شورای همکاری سران سابق دولت‌ها به عنوان یک سازمان غیرانتفاعی در تهیه اعلامیه جهانی تکالیف بشر پیش‌قدم شد. این شورا با بیان اینکه جهانی که در آن همگان جویای حق هستند اما تکالیف را نمی‌پذیرند جهانی ناعادلانه و خطرناک است، به بررسی امکان تهیه یک استاندارد اخلاقی جهانی پرداخت و آن را راهی برای ایجاد تعادل میان حقوق و تکالیف بشر و همچنین آشتی دادن نگرش‌های متعارض و اختلاف‌نظرها دانست. این شورا در سپتامبر ۱۹۹۷ پیش‌نویس اعلامیه جهانی تکالیف بشر را تهیه نمود و اعلام کرد که یک نظم اجتماعی ملی و بین‌المللی را نمی‌توان فقط با قانون و کنوانسیون به دست آورد بلکه ما نیازمند یک اخلاق جهانی هستیم. اعلامیه مذکور در پنج بخش و با ۱۹ ماده تهیه شد و تصمیم بر آن بود که برای بررسی و تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل تقدیم شود که به دلیل مخالفت‌ها این امر محقق نشد (Giacomazzi, 2005, p. 170). مقدمه این اعلامیه با اشاره به اهم مشکلات جهانی نظیر فقر، توسعه‌نیافتگی، آلودگی محیط‌زیست، سلاح‌های هسته‌ای و ... به لزوم وجود ارزش‌های الزام‌آور و اصول بنیادین اخلاقی قابل اعمال بر همگان تأکید نمود. برخی مواد این اعلامیه به وضوح از اعلامیه جهانی حقوق بشر الهام گرفته‌اند. از جمله ماده ۵ که احترام به حیات سایرین و ممنوعیت زخمی کردن، قتل و شکنجه را مقرر می‌دارد. بیشتر مواد اعلامیه حاوی قواعد کلی و اخلاقی هستند از جمله ممنوعیت سرقت (ماده ۸)، راستگویی (ماده ۱۲)، احترام به دیگران (ماده ۱۶)، کمک به نیازمندان (ماده ۱۰) و ... (Draft Universal Declaration of Human Responsibilities by Interaction Council, September 1997).

یک سال بعد، در ۱۹۹۸، اعلامیه تکالیف و مسئولیت‌های بشر<sup>۱</sup> (اعلامیه والنسیا) - با یک مقدمه و ۴۱ ماده - زیر نظر یونسکو در پنجاهمین سالگرد تهیه اعلامیه جهانی حقوق بشر، تهیه شد. در این اعلامیه استدلال شده است که تحقق مؤثر حقوق بشر ضرورتاً با ایجاد تکالیف متناظر با این حقوق ممکن است و سپس مفصلاً مجموعه وسیعی از تکالیف ارائه شده است. میان دو اعلامیه فوق‌الذکر سه تفاوت عمده وجود دارد: اعلامیه جهانی تکالیف بشر تنها از تکالیف اخلاقی صحبت می‌کند اما اعلامیه والنسیا میان تکالیف اخلاقی و حقوقی تمایز قائل است و در صدد شناسایی هردو دسته این تکالیف است؛ دوماً، اعلامیه والنسیا، برخلاف اعلامیه جهانی تکالیف بشر، تنها به تکالیف افراد نمی‌پردازد بلکه تکالیف دولت را هم در نظر داشته و بر تعهد دولت به احترام و اجرای حقوق بشر مجدداً تأکید کرده است؛ سوماً، هدف اعلامیه والنسیا جبران عدم تعادل موجود میان حقوق و تکالیف بشر نیست. در واقع این اعلامیه چنین عدم تعادلی را نمی‌پذیرد و بیشتر بر روابط میان حقوق و تکالیف متمرکز است (Boot, 2017, p. 14).

در سال ۲۰۰۰ کمیسیون حقوق بشر ملل متحد از کمیسیون فرعی توسعه و حمایت از حقوق بشر درخواست نمود تا درباره ارتباط میان حقوق و تکالیف بشر تحقیق کنند. این قطعنامه با حداقل اکثریت ممکن (۲۲ موافق،

۲۱ مخالف و ۱۰ ممتنع) تصویب شد (UNCHR Resolution 2000/63, 2000, pp. 276-277). جالب آنکه حامیان اصلی این قطعنامه عمدتاً کشورهایی مانند کوبا، پاکستان، جمهوری دموکراتیک کنگو و سودان بودند که جز کشورهای موفق در تأمین حقوق و آزادی‌های بشر محسوب نمی‌شدند. این تحقیق به سرپرستی گزارشگر ویژه آقای میگل آلفونزو مارتینز<sup>۱</sup> به تهیه پیش‌نویس اعلامیه تکالیف اجتماعی بشر در سال ۲۰۰۳ منتهی شد. البته در کمیسیون رأی کافی برای ارسال این پیش‌نویس به دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی به دست نیامد (UNCHR Report on the Fifty-Ninth Session, 2003, p. 434). نهایتاً در سال ۲۰۰۵ کمیسیون از گزارشگر ویژه خواست تا اعلامیه جدیدی تهیه نماید. درخواستی که از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی رد شد. شورای حقوق بشر نیز از زمان جایگزینی کمیسیون مسئله را پیگیری ننموده است (Boot, 2017, p. 15).

تهیه اعلامیه جهانی تکالیف بشر با انتقادات زیادی از سوی حامیان حقوق بشر مواجه شد، انتقاداتی که باعث عدم موفقیت این اعلامیه‌ها شده و می‌تواند راه را برای هر سند مشابهی مسدود نماید. یکی از عواملی که زمینه را برای سوءاستفاده از این اعلامیه ایجاد می‌کند، ماهیت نامشخص تکالیف است. در یک تقسیم‌بندی می‌توان تکالیف را به تکالیف عمودی و تکالیف افقی یا متقابل تقسیم کرد. تکالیف عمودی، تکالیف افراد در مقابل تعهد دولت به احترام، حمایت و اجرای حقوق بشر است. تکالیفی که افراد و شهروندان در مقابل دولت یا جامعه در کل دارند. باور بر این است که این دسته از تکالیف قابلیت تضعیف حقوق بشر را دارند زیرا ممکن است دولت با تکیه بر آنها تکالیف حقوق بشری خود را کنار بگذارد. تکالیف افقی از سوی دیگر تکالیفی هستند که هر فردی نسبت به دیگران به هدف احترام به حقوق آنها برعهده دارد. این تکالیف برخلاف دسته اول، می‌توانند در حمایت از حقوق بشر مفید باشند. با وجود این اعلامیه‌های پیشنهادی تکالیف بشر عمدتاً حاوی تکالیف عمودی فرد نسبت به جامعه یا دولت هستند. مشکل اینجاست که چنین تکالیفی مستقیماً به حق خاصی مرتبط نبوده و لذا مشخص نیست که چه زمان باید آنها را انجام شده تلقی نمود. در نتیجه حوزه این تکالیف به گونه‌ای گسترش می‌یابد که با حفاظت از حقوق بشر تداخل پیدا می‌کند. برای نمونه ماده ۲۹ منشور آفریقایی حقوق و تکالیف بشر و خلق‌ها که غالباً به دلیل درج تکالیف بشری مورد انتقاد قرار گرفته است تکلیفی مبنی بر حفظ و تقویت وحدت ملی و اجتماعی دربردارد. مشخص نیست که این تکلیف با کدامیک از حقوق بشری متناظر است. پس باید آن را یک تکالیف عمودی دانست که محدوده آن نامشخص است (Boot, 2017, pp. 18-19).

بنابراین این نگرانی همواره وجود دارد که در صورت تهیه اعلامیه تکالیف، دولت‌ها از مندرجات چنین سندی برای محدود نمودن حقوق بشر استفاده کنند یا این تکالیف را جایگزین حقوق نمایند. مثلاً وقتی ماده ۱۴ اعلامیه تکالیف بشر، آزادی مطبوعات را منوط به رعایت اموری مانند دقت، صداقت و بی‌طرفی می‌کند و گزارش‌هایی که افراد را تحقیر یا به کرامت آنها خدشه وارد می‌آورد، ممنوع می‌کند (Draft Universal Declaration of Human Responsibilities by InterAction Council, 1997, p. 14)، این نگرانی به وجود می‌آید که چه کسی باید بر گزارش‌دهی صادقانه و بی‌طرف نظارت کند؟ این امر موجب محدودیت آزادی بیان و رسانه‌ها می‌شود (Giacomazzi, 2005, p. 173).

از دیگر عوامل زمینه‌ساز سوءاستفاده می‌توان به جایگاه مبهم این اعلامیه‌ها اشاره نمود. طرفداران اعلامیه‌های تکالیف بشر استدلال می‌کنند که منتقدانی که چنین تکالیفی را زمینه‌ساز سوءاستفاده می‌دانند، در واقع تکالیف بشری را به درستی درک نکرده‌اند. تکالیف فردی ماهیت اخلاقی و نه حقوقی دارند. هرچند منتقدان

بر این باورند که اعلامیه‌های تکالیف به سبک و سیاق اعلامیه جهانی حقوق بشر نگارش یافته‌اند. به این امید که بتوانند جایگاهی مشابه آن به دست آورند. اگرچه به لحاظ تکنیکی اعلامیه جهانی حقوق بشر از نظر قالب سندی الزام‌آور نیست اما دربردارنده قواعد آمره و قواعد عرفی بوده و به تهیه اسناد الزام‌آوری نظیر میثاقین منجر شده‌است. با توجه به این امر، مشخص نیست که چه جایگاهی باید برای اعلامیه جهانی تکالیف بشر قائل بود (Boot, 2017, p. 19).

این اعلامیه‌ها، اعلامیه جهانی حقوق بشر و استانداردهای حمایتی ناشی از آن را تضعیف می‌کنند. با مقایسه میان این اعلامیه‌ها درمی‌یابیم که اعلامیه تکالیف اگرچه در سیاق اعلامیه جهانی حقوق بشر نگارش یافته و متناظر آن است اما برخی حقوق مندرج در آن را به شکلی ضعیف‌تر بیان نموده، برخی عناصر مهم از تضمینات را شامل نشده یا مفاهیم مبهم یا با تعاریف ناکافی دربردارد. برای نمونه اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق هرکس بر عدم تبعیض بر مبنای جنسیت، رنگ، نژاد، زبان و ... اشاره دارد (UDHR, 1948, p. 2)، اما اعلامیه تکالیف مصوب شورای همکاری سران سابق دولت‌ها تنها مقرر می‌دارد که باید با همگان به شکل انسانی برخورد نمود<sup>۱</sup> ولی به حق عمومی ممنوعیت تبعیض اشاره نمی‌کند (Draft Universal Declaration of Human Responsibilities by Interaction Council, 1997, p. 1).

در این اعلامیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم تضعیف شده‌اند. مثلاً اعلامیه تکالیف به تکلیف افراد به تلاش جدی برای غلبه بر فقر و سوءتغذیه اگر از ابزار لازم برخوردار باشند<sup>۲</sup>، اشاره دارد. (Draft Universal Declaration of Human Responsibilities by Interaction Council, 1997, p. 9). کاربرد عبارات مبهمی مانند تلاش جدی یا ابزار لازم، تضمینات اعلامیه جهانی حقوق بشر را تضعیف می‌کند. این اعلامیه همچنین بخشی از جزئیات مذکور در اعلامیه حقوق بشر را کنار گذاشته است. مثلاً در حالی که به دسترسی برابر به آموزش اشاره شده<sup>۳</sup> اما سایر عناصر این حق که در ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر<sup>۴</sup> آمده، حذف شده است. اشاره مختصر به حق بر حریم خصوصی<sup>۵</sup> نیز منع مداخله خودسرانه در حریم خصوصی مندرج در ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر را تقلیل می‌دهد.<sup>۶</sup> همچنین مفاهیم مبهمی مانند رفتار غیرانسانی یا تکلیف به عدم آسیب به افراد<sup>۷</sup> مشخص نیست که آیا مشابه با مفاهیمی مانند شکنجه، رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی یا توهین‌آمیز در نظر گرفته شده‌اند یا مفاهیم متفاوت هستند؟ (Amnesty International, 1998, pp. 4-5).

۱. طبق ماده ۱ این اعلامیه: «تمامی افراد، صرف‌نظر از جنسیت، نژاد، وضعیت اجتماعی، دیدگاه سیاسی، زبان، سن، ملیت و مذهب، مکلف هستند با تمامی افراد به شکل انسانی رفتار کنند.»
۲. بر اساس ماده ۹ این اعلامیه: «تمامی افراد برخوردار از ابزار لازم، مکلفند برای غلبه بر فقر، سوءتغذیه، نادیده گرفته شدن و نابرابری به طور جدی تلاش کنند. آنها باید توسعه پایدار را در سراسر جهان ارتقاء دهند تا کرامت، آزادی، امنیت و عدالت برای همگان تضمین شود.»
۳. طبق ماده ۱۰ این اعلامیه: «تمامی افراد مکلفند با تلاش مقتضی استعدادهای خود را پرورش دهند. آنها باید به شکل برابر به آموزش دسترسی داشته باشند ...»
۴. طبق بند ۱ و ۲ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «۱. هرکس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی باید اجباری باشد. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.»
۵. طبق ماده ۱۲ این اعلامیه: «... حق بر حریم خصوصی و محرمانگی فردی و حرفه‌ای باید محترم شمرده شود ...»
۶. طبق ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، مورد مداخله خودسرانه قرار گیرد و ... هرکس حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.»
۷. طبق ماده ۵ اعلامیه تکالیف بشر: «... هیچ‌کس حق ندارد به فردی دیگر آسیب زده، او را شکنجه نماید یا به قتل برساند ...»

صرف این واقعیت که اعلامیه تکالیف به صورت کلی به اعلامیه حقوق بشر اشاره می‌نماید به ما کمک نمی‌کند تا بفهمیم چرا برخی حقوق در آن اعلامیه ذکر شده‌اند، برخی به گونه‌ای متفاوت عبارت‌پردازی شده‌اند و برخی مانند آزادی جابه‌جایی حذف گردیده‌اند؟ این ابهامات در مجموع حاکی از آن است که هر اعلامیه تکلیفی احتمالاً قواعد حقوق بشری را لوٹ و آن را تضعیف می‌کند.

مسئله دیگر این است که ایجاد یک استاندارد اخلاقی جهانی آن‌طور که هدف تهیه‌کنندگان اعلامیه‌های فوق‌الذکر است، بدین معناست که از این پس نه تنها افراد باید از قانون پیروی کنند بلکه باید خوب و اخلاق مدار هم باشند. بدین ترتیب دولت فرصت می‌یابد تا در اخلاقیات و حسن رفتار شهروندان مداخله کند. اگر هدف این اعلامیه‌ها صرفاً الهام‌بخشی باشد، در آن صورت تأکید بر بُعد اخلاقی آنها قابل قبول است اما در غیر این صورت خطر سوءاستفاده دولت از نیاز به استاندارد اخلاقی جهانی برای رعایت رفتارهای خاصی که خود اخلاقی می‌داند، وجود دارد. به علاوه، تهیه سند تکالیف بشر ممکن است برخورداری از حقوق بشر را به اجرای صحیح تکالیف از سوی فرد مشروط نماید. این انتقادی است که اتحادیه اروپا طی بیانیه‌ای در مخالفت با اعلامیه جهانی تکالیف بشر، مطرح نمود. برای نمونه ممکن است در برخی کشورها شهروندانی که تکالیف خود به تبعیت از قانون را رعایت نکرده‌اند از حق دسترسی به دادرسی عادلانه به دلیل این نقض تکالیف محروم شوند (Boot, 2017, pp. 19-20).

همچنین باید به ابهامات فراوان موجود در این اعلامیه‌ها هم اشاره نمود. در حقوق بشر به طور سنتی تعهدات خطاب به دولت‌ها نگارش یافته‌اند اما اعلامیه تکالیف پیشنهادی حداقل چهار بعد از اقدام را مدنظر دارد: تکالیف میان افراد، تکالیف میان ملت‌ها، تکالیف نسبت به کره زمین و تکالیف نسبت به خودمان. تشخیص اینکه چه کسانی مسئول رعایت این اصول هستند، شبهه‌برانگیز است. یکی دیگر از مشکلات اصلی اعلامیه‌ها اختلاط میان تکالیف اخلاقی و قانونی است. اگرچه تهیه‌کنندگان آنها، اعلامیه‌ها را استانداردهایی اخلاقی معرفی می‌نمایند اما این اسناد حاوی برخی تکالیف با جنبه اخلاقی و برخی تکالیف قانونی است. برای نمونه از یک سو تکالیف به احترام به حق حیات یک تکالیف قانونی به رسمیت شناخته شده در اسناد حقوق بشری است اما در جایی دیگر اشاره به تکالیف به کمک به خیر و دوری از شر در همه امور<sup>۱</sup> تکلیفی اخلاقی است (Giacomazzi, 2005, pp. 173-174). مشکل نخست این است که معیاری برای تفکیک این دو دسته از تکالیف ارائه نشده و دوماً اینکه چگونه باید تکالیف اخلاقی را اجرا کرد و چطور می‌توان افراد را بدان ملتزم نمود و ضمانت‌اجرای نقض این تکالیف چیست، مبهم است. البته مجمع پارلمانی شورای اروپا در سال ۲۰۱۱ قطعنامه حقوق و مسئولیت‌های بنیادین را صادر نمود که در آن اشاره شد، تکالیف قانونی باید تابع اصل تناسب باشد (یعنی نباید مالا یطاق باشد) و تکالیف اخلاقی نباید آنقدر سنگین باشد که اجرای آن حقوق بنیادین بشر را به مخاطره بیندازد (Parliamentary Assembly of the Council of Europe, Fundamental Rights and Responsibilities, 2011). هرچند چنین تفکیکی برای نیل به معیاری مشخصی از تمایز میان این تکالیف کارساز نیست.

در نهایت این گونه استدلال می‌شود که اعلامیه جهانی تکالیف بشر مازاد است چراکه در این حوزه خلأ وجود نداشته و چنین اعلامیه‌ای مطلب تازه‌ای به همراه ندارد. بهتر است در تبیین بهتر این انتقاد به آثار و ضمانت‌اجرای تکالیف بشر نیز اشاره کنیم. اگر هدف از چنین اعلامیه‌ای تضمین احترام به حقوق بشر از سوی افراد است چنین امری پیشتر هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی محقق شده است. در قوانین ملی همه کشورها اشکال گوناگون تعرض به حیات، آزادی‌ها و سایر حقوق افراد جرم‌انگاری شده است. در سطح

۱. طبق ماده ۳ اعلامیه تکالیف بشر: «همگان مکلفند در تمامی امور نیکی را ارتقاء داده و از شر اجتناب نمایند.»

بین‌المللی مراجعی از جمله دیوان بین‌المللی کیفری افراد مرتکب جنایات را تحت تعقیب قرار می‌دهند. به علاوه تعهد دولت در تضمین اجرای حقوق بشر موجب می‌شود هر دولتی برای پیشگیری و مجازات هرگونه نقض از سوی افراد اقدامات لازم را به عمل آورد زیرا تقصیر در چنین اقدامی زمینه‌ساز مسئولیت خود دولت خواهد بود. در شرایطی که در قوانین ملی و معاهدات بین‌المللی - که پیشتر از آنها نام برده شد - تکالیف متعددی برای افراد وضع شده است، اعلامیه نمی‌تواند نکته جدیدی دربرداشته باشد. به خصوص برخی تکالیف ماهیتاً اخلاقی مندرج در این اعلامیه‌های پیشنهادی که تعریف و محدوده مشخصی هم ندارند، اگرچه برای نیل به جهانی آرمانی لازم هستند اما نبود ضمانت اجرا و ابزاری برای التزام قانونی افراد به آنها، این تکالیف را در حد آرزو یا ایده‌آل صرف باقی نگاه می‌دارد.

## نتیجه

در دهه‌های اخیر، افزایش بحران‌های بین‌المللی (نظیر تروریسم، آسیب‌های زیست‌محیطی و ...) برخی حقوق‌دانان و مجامع علمی را بر آن داشت تا در جستجوی راه‌حل‌های احتمالی این مشکلات، ایده تهیه یک اعلامیه جهانی تکالیف بشر، هم‌تراز و متناظر با اعلامیه جهانی حقوق بشر را مطرح نمایند. ایده اولیه این اعلامیه در این واقعیت نهفته است که افراد باید در کنار حقوق خود پذیرای تکالیف نیز باشند و ما به یک اخلاق جهانی نیازمندیم و به علاوه، مختصر تکالیف بشر مندرج در برخی اسناد حقوق بشری ما را به این مقصود نمی‌رساند. در عمل اما چنین پیشنهادی موفقیت لازم را به دست نیاورد. علت اصلی این عدم موفقیت را باید در تفاوت میان زمینه و علل تهیه اعلامیه حقوق بشر و اعلامیه تکالیف بشر جستجو کرد.

اسناد حقوق بشری پس از قرن‌ها نقض حقوق افراد و برای جبران یک خلأ جدی تهیه شدند. تکالیف بشر اگرچه در یک سند واحد گردآوری نشده‌اند اما قوانین ملی کشورها اشکال گوناگونی از تکالیف افراد تعریف و هرگونه نقض آنها نیز جرم‌انگاری شده است. در عرصه بین‌المللی نیز از دیرباز تکالیف بشر مورد توجه بود. محاکم بین‌المللی بسیاری برای مجازات افراد مرتکب جنایات بین‌المللی تشکیل گردیده‌اند و به علاوه، اسناد حقوق بشری نیز حاوی مقرراتی در خصوص تکالیف بشر هستند. با این اوصاف، تهیه هر اعلامیه جدیدی در این زمینه، همان‌طور که از اعلامیه‌های پیشنهادی قابل مشاهده است، دستاورد نوینی تلقی نخواهد شد. به علاوه همواره خطر سوءاستفاده از چنین اعلامیه‌ای وجود دارد. در شرایطی که علی‌رغم حجم انبوه اسناد حقوق بشری، همچنان نقض‌های بسیاری صورت پذیرفته و تضمین و احترام به حقوق بشر به طور کامل محقق نشده است، چنین اعلامیه‌ای می‌تواند جایگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر را تضعیف نماید.

با موازنه میان لزوم تهیه اعلامیه جهانی تکالیف بشر و خطرات آن، به نظر می‌رسد اگرچه تهیه چنین اعلامیه‌ای حداقل به لحاظ نمادین ارزشمند و گامی رو به جلو باشد اما در عمل ممکن است با افزایش خطر سوءاستفاده، مشکلات جدیدی به همراه داشته باشد.

## منابع

## فارسی

## ۱. مقاله

- براون ویس، ادیت. (۱۳۸۰). ترجمه نادر ساعد. **حفاظت از محیط‌زیست و حقوق نسل‌های آینده در پرتو رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری**. فصلنامه سیاست خارجی. شماره ۳، سال پانزدهم.
- پورهاشمی، سید عباس، خلعتبری، یلدا، زارعی، سحر. (۱۳۹۵). **شکل‌گیری و توسعه مفهوم حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست**. علوم و تکنولوژی محیط‌زیست. شماره ۳، دوره هجدهم.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، شفیق‌فرد، حسن. (بهار ۱۳۹۵). **توسعه پایدار و حق بر محیط‌زیست سالم: چشم‌انداز نسل‌های آینده**. فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی. دوره پنجم، شماره اول، بهار.

## غیر فارسی

## انگلیسی

## ۱. کتاب

- Boot, Eric R. (2017). **Human duties and the limits of human rights discourse**, The Netherlands, Springer.
- International Council on Human Rights Policy. (1399). **Taking duties seriously: Individual duties in international human rights law: A Commentary**, Switzerland, International Council on Human Rights Policy Publication.

## ۲. مقاله

- Amnesty International. (1998). **Muddying the waters: The draft universal declaration of human responsibilities: No complement to human rights**. AI Index: IOR 40/02/98.
- Giacomazzi, Mia. (2005). **Human Rights and Human Responsibilities: A necessary balance?**. Santa Clara Journal of International Law. Vol. 2, No. 3.

## ۳. سایر منابع

- African Charter on Human and People's Rights, 27 June 1981.
- The American Declaration of the Rights and Duties of Man, 2 May 1948.
- American Convention on Human Rights, 22 November 1969.
- CESCR General Comment 12: The Right to Adequate Food, 12 May 1999.
- Convention on Rights of the Child (CRC), 20 November 1989.
- Convention on the Prevention and Punishment of the crime of Genocide (CPPCG), 9 December 1948.
- Convention concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 16 November 1972.
- Draft Universal Declaration of Human Responsibilities by InterAction Council, 1997.
- Declaration of Human Responsibilities and Duties (Valencia Declaration), 1998.
- European Convention on Human Rights, 4 November 1950.
- ICJ Case concerning Gabcikovo and Nagymaros Project, 25 September 1997.
- International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), 16 December 1966.
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), 16 December 1966.
- International Convention on Suppression and Punishment of the Crime of Apartheid (ICSPCA),

- 30 November 1973.
- Parliamentary Assembly of the Council of Europe, Fundamental Rights and Responsibilities, Doc.12777, 24 October 2011.
  - Universal Declaration of Human Rights (UDHR), 10 December 1948.
  - United Nations Commission on Human Rights (UNCHR) Resolution 2000/63, 2000. (Doc. E/CN.4/2000.167).
  - United Nations Commission on Human Rights (UNCHR) Report on the Fifty-Ninth Session, 2003. (UN Doc. E/CN.4/2003/135).
  - UN Basic Principles on the Role of Lawyers, 1990.
  - UN Declaration on Human Rights Defenders, 1998.
  - UN Declaration on the Right to Development, 1986.
  - UN Guidelines on the Role of Prosecutors, 1990.
  - UN Principles of Medical Ethics relevant to the Role of Health Personnel, particularly Physicians, in the Protection of Prisoners and Detainees against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 1982.